

## نگاهی به اقتصاد

اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۳ سالی پر تحول را پشت سر گذارد. در این سال که حد فاصل دو برنامه پنج ساله اول و دوم جمهوری اسلامی ایران بود، علیرغم فشارها و شرایط نامساعد خارجی موفقیت‌های چشمگیری بدست آمد که بی تردید نتیجه تلاشهای بی وقفه مسئولین و ثمردهی سیاستهای اقتصادی سالهای گذشته بوده است. ادامه رشد اقتصادی، نیل به پیشرفت بی سابقه در زمینه صادرات کالاهای غیرنفتی و بویژه کالاهای صنعتی، بهبود وضعیت تراز پرداختها و بوجود آمدن مازاد کم سابقه تجاری، اعمال کنترل بیشتر بر نقدینگی، معرفی ابزارهای جدید مالی و حل شدن مشکل تعهدات خارجی کشور از مهمترین دست آوردهای اقتصاد ایران در سال گذشته بود. با توجه به اهمیت این سال به عنوان زمینه ساز اجرای دومین برنامه توسعه اقتصادی کشور، در مقاله حاضر کوشش خواهد شد تا اوضاع کلی اقتصادی در این سال مورد بررسی قرار گیرد و جهت گیریهای اصلی آن مشخص گردد.

### ۱ - تحولات بخش واقعی:

معمولا یکی از مهمترین شاخصهایی که برای ارزیابی عملکرد اقتصادی کشورها مورد استفاده قرار می گیرد، میزان رشد واقعی تولید ناخالص داخلی است. تولید ناخالص داخلی ایران پس از سالها رکود

در سالهای پایانی جنگ تحمیلی از اوایل برنامه اول روبه رشد نهاد و این رشد پس از رسیدن به اعداد دو رقمی در سالهای ۶۹ و ۷۰ از سال ۷۱ به بعد با آهنگی ملایمتر ادامه یافت. بدنبال این روند در سال ۱۳۷۳ نیز علیرغم کاهش شدید واردات و با آنکه برخی از صاحبانظران انتظار رکود تولید را داشتند، اقتصاد کشور رشد مثبت نشان داد و به موجب برآوردهای مقدماتی تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت معادل ۳ درصد افزایش یافت.

جالب توجه آنکه این رشد علیرغم ۵/۶ درصد کاهش در ارزش افزوده بخش نفت حاصل شد و کلا ناشی از ۵/۲ درصد رشد تولید ناخالص داخلی غیرنفتی بود. این ارقام به وضوح نشان دهنده روند روبه کاهش اتکای اقتصاد ایران به دو بخش تاثیر پذیر و وابسته به خارج یعنی بخشهای نفت و واردات است. ادامه این روند در سالهای آینده بدون شک جهت گیری بسیار مثبتی خواهد بود که ضمن تامین تعادل و مازاد در تراز پرداختها، اقتصاد کشور را از آثار نامساعد ضربه های خارجی مصون داشته و موجبات نیل به یک رشد خوداتکای داخلی را فراهم می سازد.

بررسی روند تولید در گروههای مختلف تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی نشان دهنده آن است که بجز بخش نفت، تولید در تمامی گروههای دیگر از رشد مثبت برخوردار بوده است.

## برآورد رشد تولید ناخالص داخلی برحسب گروه‌های اصلی

به قیمت های ثابت ۱۳۶۱

گروه اصلی	متوسط رشد سالانه در برنامه اول	رشد سال ۱۳۷۳	هدف رشد سالانه برنامه دوم
کشاورزی	۶/۰	۴/۴	۴/۳
نفت	۸/۶	-۵/۶	۱/۶
صنایع و معادن	۸/۵	۴/۴	۵/۸
خدمات	۷/۰	۴/۱	۳/۱
تولید ناخالص داخلی	۷/۲	۳/۰	۵/۱

رشد تولید در بخش کشاورزی، علیرغم مشکلات ساختاری این بخش، ناشی از وابستگی کمتر آن به خارج و همچنین اجرای سیاستهای موثری همچون آزادسازی قیمت و خرید تضمینی اکثر محصولات کشاورزی، اعطای تسهیلات و تامین نهاده های تولید یا نرخهای سوبسیدی، اجرای طرحهای بهزرایی و بکارگیری روشهای جدید تولید است. این عوامل موجب گردیده است که طی سالهای اخیر رشد تولید در بسیاری از محصولات کشاورزی بر رشد جمعیت فزونی گرفته و در نتیجه علاوه بر کاهش اتکاء به خارج، امکانات وسیعی برای صادرات محصولات کشاورزی فراهم شود. در سالهای اخیر منابع ارزی قابل توجهی از این محل حاصل گردیده و انتظار می رود در آینده نزدیک محصولات کشاورزی ایران سهمی در خور از بازارهای جهانی را به خود اختصاص دهد.

در بخش نفت کاهش ارزش افزوده ناشی از رعایت سقف های مقرر از سوی اوپک و همچنین افزایش سهم مصارف داخلی فرآورده های نفتی از کل تولید نفت است. لازم به یادآوری است که با

توجه به قیمت های ثابت و پایین فرآورده های نفتی در داخل کشور که بمراتب کمتر از قیمت های بین المللی است ، بهر میزان که از صادرات نفت کاسته و به مصرف داخلی برسد ، ارزش افزوده کمتری ایجاد می کند .

براساس برآوردهای مقدماتی در گروه صنایع و معادن میزان تولید در تمامی زیر گروهها یعنی بخشهای صنعت ، معدن ، ساختمان و آب ، برق و گاز ، مواجه بارشد بوده است . در این میان بخش آب ، برق و گاز ، بیشترین رشد را داشته و ارزش افزوده آن حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است . بطور کلی با توجه به اهمیت بخشهای زیربنایی بویژه انرژی در دوران بازسازی ، در طول اجرای برنامه اول ، قسمت عمده ای از منابع ارزی و ریالی کشور به امر سرمایه گذاری در بخش انرژی اختصاص یافته و طرحهای عظیمی در زمینه توسعه ظرفیت تولید برق ، استخراج ، پالایش و صدور نفت ، تامین آب و توسعه شبکه های گاز رسانی به مرحله اجرا درآمد . با انجام این سرمایه گذاریها گرچه توازیرداختها و سطح قیمت های داخلی تحت فشار قرار گرفت ، لیکن درمقابل ، ظرفیت های تولیدی در این بخشها گسترش قابل توجهی یافت . بطوریکه در دوره برنامه ، بالاترین رشد ارزش افزوده در میان بخشهای مختلف اقتصادی مربوط به بخش آب ، برق و گاز ، بود که متوسط رشد پنج ساله آن به ۱۲/۷ درصد رسید .

در طرف مصارف تولید ناخالص داخلی نیز به موازات رشد تولید ، حجم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به قیمت های ثابت ۳/۴ درصد رشد کرد و سهم آن در کل تولید ناخالص داخلی به ۲۱/۴ درصد رسید .

#### ۲ - بودجه دولت :

یکی از مهمترین اهداف برنامه اول توسعه اقتصادی ایران را ایجاد تعادل در بودجه دولت تشکیل می داد که طی سالهای جنگ تحمیلی بشدت مختل گردیده بود . در طول اجرای این برنامه

بتدریج با افزایش درآمدهای مالیاتی و اصلاح نرخ ارز و نتیجتاً رشد سریع درآمدهای ریالی ناشی از صدور نفت حجم درآمدهای دولت بشدت و با سرعتی بیش از هزینه ها افزایش یافت و بالمآل در آخرین سال اجرای این برنامه بودجه دولت متعادل گردید. این تعادل در سال ۱۳۷۳ نیز تداوم یافت.

عملکرد بودجه دولت

(میلیارد ریال)

رشد	۱۳۷۳	۱۳۷۲	
۴۴/۴	۲۹۲۴۴/۵	۲۰۲۵۰/۷	درآمدها
۴۶/۳	۲۱۴۷۹/۷	۱۴۶۸۳/۲	نفت
۳۵/۲	۵۴۹۰/۸	۴۰۶۱/۳	مالیاتها
۵۱/۰	۲۲۷۴/۰	۱۵۰۶/۲	سایر
۴۷/۵	۲۹۵۹۵/۵	۲۰۰۶۳/۸	پرداختها
۴۶/۷	۲۰۰۱۰/۰	۱۳۶۳۹/۳	جاری
۴۹/۲	۹۵۸۵/۵	۶۴۳۴/۵	عمرانی
	-۳۵۱/۰	+۱۸۶/۹	کسری (-) / مازاد (+)

همانطور که ملاحظه می شود، حجم بودجه دولت چه در طرف درآمدها و چه از نظر پرداختها از رشد بسیار سریعی که فراتر از نرخ تورم است برخوردار بوده است. در واقع حجم عملیات مالی دولت به قیمت های ثابت رشد قابل توجهی را نشان داده است. نسبت پرداختهای بودجه به تولید ناخالص داخلی از ۲۱/۴ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۲۲/۶ درصد در سال ۱۳۷۳ افزایش یافته است که نشانگر گسترش فعالیت های دولت در اقتصاد کشور است. از مجموع درآمدهای دولت در سال ۱۳۷۳، بیش از ۷۳ درصد از محل درآمد نفت، ۱۹ درصد از محل مالیاتها و ۸ درصد از محل سایر درآمدها تامین گردیده است.

نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی علیرغم رشد بسیار سریع مالیات‌ها در سالهای اخیر همچنان اندک است و در سال ۱۳۷۳ از حدود  $4/2$  درصد بیشتر نبوده است.

در طرف پرداختهای بودجه، سهم پرداختهای عمرانی در کل پرداختها در ادامه روند سالهای اخیر از  $32$  درصد در سال ۱۳۷۲ به  $32/3$  درصد در سال ۱۳۷۳ افزایش یافته است که جهت گیری مثبتی در جهت بهبود ساختار هزینه ای دولت محسوب می شود. همچنین کسری بودجه در سال ۱۳۷۳ به کمتر از  $1$  درصد کل بودجه و کمتر از  $0/3$  درصد تولید ناخالص محدود بوده است که رقم بسیار ناچیزی است. البته لازم به ذکر است که این کسری عمدتاً از محل پیش دریافتهای سالهای قبل تامین گردیده و دولت برای تامین آن اتکایی به سیستم بانکی نداشته است. معهداً ذکر این نکته ضروری است که از ابتدای سال ۱۳۷۲ با تغییر نرخ رسمی ارز بعلت پرداخت تعهدات ارزی قبلی که با نرخ هر دلار حدود  $70$  ریال بوده است، بتدریج مابه التفاوت های قابل توجهی ایجاد گردیده که به دلیل تامین آن از منابع بانک مرکزی معادل این منابع آثار انبساطی همانند کسری بودجه ایجاد شده است. مبلغ این مابه التفاوتها در سال ۱۳۷۳ به حدود  $6$  هزار میلیارد ریال بالغ گردیده که علیرغم تعادل نسبی بودجه دولت بهمین میزان بر حجم پول بر قدرت در اقتصاد افزوده است.

### ۳ - سیاستهای پولی :

بطور کلی طی سالهای اخیر با اصلاح نرخ ارز، تقاضا برای منابع مالی چه از سوی بخش دولتی و چه از ناحیه بخش خصوصی با شدت زیادی افزایش یافته است. در این شرایط بعلت عدم گسترش کافی بازارهای پولی و سرمایه و نبود ابزارهای مالی مناسب و با توجه به نرخهای سوبسیدی تسهیلات بانکی که در سطحی پایین تر از نرخ تورم و هزینه پول در بازارهای غیرمتمشکل است، سیستم بانکی کشور شدیداً از سوی متقاضیان منابع مالی تحت فشار قرار گرفته است. این فشارها از یک سو و افزایش

پول یر قدرت در اثر تامین کسریهای ناشی از تفاوت نرخ ارز برای باز پرداخت تعهدات خارجی از سوی دیگر موجبات گسترش تسهیلات بانکی را فراهم آورده است، در نتیجه علیرغم آنکه مسئولین پولی کشور نهایت کوشش را در جهت کنترل نقدینگی مبذول داشته اند حجم نقدینگی سریعاً افزایش یافته است. بهمین جهت در سال ۱۳۷۳ مجلس محترم شورای اسلامی به منظور سد نمودن فشار تقاضا بر بانکها بویژه از ناحیه بخش دولتی، سقف مشخصی را برای گسترش تسهیلات بانکی تعیین و در تبصره ۲ قانون بودجه این سال بتصویب رساند. به موجب این تبصره سقف تسهیلات قابل واگذاری توسط سیستم بانکی به بخشهای دولتی، خصوصی و تعاونی تا حدی مجاز شناخته شد که خالص بدهیهای آنها به بانکها نسبت به سال قبل معادل ۷ هزار میلیارد ریال افزایش یابد. همچنین مقرر گردید که ۵۵ درصد (۲۸۵۰ میلیارد ریال) از تسهیلات مذکور منحصر به بخش خصوصی اختصاص یابد.

بررسی عملکرد اعتباری بانکها نشان می دهد که طی سال ۱۳۷۳ مانده تسهیلات اعطایی به بخش غیردولتی افزایشی معادل ۵۸۰۵/۷ میلیارد ریال داشته است. براساس برآوردهای بعمل آمده، ۴۵۸۷ میلیارد ریال از مبلغ مذکور که با رقم ۳۸۵۰ میلیارد ریال مصوب در قانون بودجه کل کشور قابل مقایسه می باشد، در ارتباط با بخش خصوصی است.

از سوی دیگر در سال ۱۳۷۳ خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی (شامل تسهیلات اعطایی به بخش دولتی پس از کسر سپرده های این بخش) افزایشی معادل ۱۰۷۴ میلیارد ریال داشته که این رقم با رقم ۳۱۵۰ میلیارد ریال (۴۵ درصد از ۷ هزار میلیارد ریال) مصوب برای این بخش قابل مقایسه می باشد. البته علاوه بر رقم فوق، در حساب ذخیره تعهدات ارزی نیز رقمی معادل ۶۰۸۴/۹ میلیارد ریال کسری ایجاد شده است که اثرات آن همانند تسهیلات بانک مرکزی به دولت است. در مجموع با توجه به سیاستهای محدود کننده پولی در سال ۱۳۷۳ نرخ رشد نقدینگی از ۳۴/۲ درصد در

سال ۱۳۷۲ به ۲۸/۵ درصد در این سال محدود شد و حجم نقدینگی به ۶۱۸۴۳/۹ میلیارد ریال رسید. در میان عوامل موثر بر رشد نقدینگی، کسری حساب ذخیره تعهدات ارزی بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است. این عامل از طریق بسط پایه پولی موجبات گسترش فعالیتهای اعتباری بانکها را فراهم آورده است و در نهایت به رشد نقدینگی منجر شده است.

در این سال با وجود کاهش سهم اسکناس و مسکوک، سهم پول در نقدینگی بدلیل رشد سریعتر سپرده های دیداری از افزایش قابل ملاحظه ای برخوردار شد و از ۴۶/۶ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۴۹/۲ درصد در سال ۱۳۷۳ رسید. بدین ترتیب افزایش سهم آن بخش از نقدینگی که سرعت گردش بیشتری دارد، موجب افزایش سرعت گردش نقدینگی از رقم ۱/۹۵ در سال ۱۳۷۲ به رقم ۲/۱۳ در سال ۱۳۷۳ شد. این روند عمدتاً ناشی از پایین بودن نرخ سود سپرده های سرمایه گذاری مدت دار در مقایسه با نرخ تورم و نرخ بازدهی سایر دارائیهاست.

در این سال شبه پول از رشدی معادل ۲۲/۱ درصد برخوردار گردید که در مقایسه با ۳۱/۹ درصد نرخ رشد این متغیر در سال قبل، کاهش قابل توجهی داشته است. بررسی ترکیب سپرده های بلندمدت در این سال نشان می دهد که در میان سپرده های مذکور، سپرده های ۵ ساله با بیش از ۷۴ درصد همچنان بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است، در حالی که سهم سایر انواع سپرده های سرمایه گذاری بلندمدت در مقایسه با سال قبل کاهش یافته است که نشانگر حساسیت سپرده گزاران به نرخ سود سپرده های بانکی می باشد.

از دیگر تحولات بخش مالی کشور در سال ۱۳۷۳ معرفی ابزار مالی جدیدی با عنوان "اوراق مشارکت" بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی فروش اوراق قرضه به مردم بدلیل مغایرت آن با شرع مقدس اسلام عملاً متوقف گردید و تا سال ۱۳۷۳ هیچگونه ابزار جایگزینی برای آن مشخص نشد. در



این سال پس از مطالعات لازم، مقررات ناظر بر انتشار اوراق مشارکت که منطبق با موازین اسلامی است به تصویب شورای پول و اعتبار رسید. اولین سری از این اوراق برای اجرای یک طرح بزرگ ساختمانی منتشر و با استقبال مردم مواجه شد. این اوراق قابل انتقال به غیر بوده و صاحبان آن نسبت به سهم خود در سود حاصل از اجرای پروژه، شریک هستند. سود مورد انتظار این طرح حدود ۲۵ درصد برآورد شده است و سود علی الحساب هر ۶ ماه یکبار بر مبنای ۳۰ درصد در سال میان صاحبان اوراق مشارکت توزیع می شود. در نظر است در آینده از این نوع اوراق برای تامین مالی بسیاری از طرحهای سود آور خصوصی و دولتی استفاده شود.

#### ۴ تراز پرداختها:

در سال ۱۳۷۳ تراز پرداختهای ایران بطور قابل توجهی بهبود یافت و براساس برآوردهای انجام شده، تراز بازرگانی در این سال ۶/۴ میلیارد دلار مازاد نشان می دهد. این اولین بار در طول ۴ سال گذشته است که تراز بازرگانی مازاد داشته است. در طول برنامه اول بدلیل نیاز شدید کشور به واردات کالاهای سرمایه ای بمنظور انجام سرمایه گذاری در طرحهای زیربنایی و تولیدی، از یک سو و نوسانات بازارهای بین المللی نفت و کاهش قیمت آن از سوی دیگر، تراز بازرگانی کشور مرتباً با کسری مواجه بوده است. در سال ۱۳۷۳ مجموع صادرات کالاهای نفتی و غیرنفتی کشور ۱۹/۱ میلیارد دلار بود که ۱ میلیارد دلار نسبت به سال ۱۳۷۲ افزایش داشت. از رقم مذکور ۱۴/۶ میلیارد دلار از طریق صادرات نفت خام و فرآوردههای نفتی و ۴/۵ میلیارد دلار نیز از محل صادرات کالاهای غیرنفتی حاصل شد. ارزش صادرات نفت ۲ درصد و ارزش صادرات غیرنفتی ۱۸/۸ درصد نسبت به سال ۱۳۷۲ افزایش نشان داد بطور کلی طی سائهای اخیر با اجرای سیاستهای مختلف برای توسعه صادرات، صادرات کالاهای غیرنفتی ایران از رشد بسیار سریعی برخوردار گردیده است، بطوری که از شروع برنامه پنج ساله اول تا

پایان سال مورد گزارش به حدود ۴/۳ برابر رسیده است. به موازات افزایش صادرات کالاهای غیر نفتی، سهم کالاهای صنعتی رو به افزایش بود و در سال ۱۳۷۳ بخشی مهمی از صادرات کشور را کالاهایی نظیر فولاد، محصولات پتروشیمی و انواع دیگر کالاهای صنعتی تشکیل داد.

از سوی دیگر واردات کالا در سال ۱۳۷۳ به روند نزولی خود که از سال ۱۳۷۰ آغاز گردیده بود با شدت بیشتری ادامه داد و ارزش فوب واردات کالاها براساس ارقام برآورد شده با بیش از ۳۴ درصد کاهش به ۱۲/۷ میلیارد دلار محدود شد. این واردات در سال ۱۳۷۰ معادل ۲۵/۲ میلیارد دلار بود که با کاهش مداوم به ۱۹/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۲ رسیده بود. اصلاح نرخ ارز و افزایش نرخ موثر آن و در نتیجه ایجاد انگیزه برای تامین مواد اولیه و واسطه ای مورد نیاز از منابع داخلی و همچنین به ثمر رسیدن طرحهای عظیم تولید مواد اساسی و واسطه ای نظیر فولاد، پتروشیمی و سیمان و کاهش نیاز به واردات این نوع کالاها از جمله عوامل موثر در کاهش واردات کالا در سالهای اخیر بوده است.

با دستیابی به مازاد قابل توجه در حساب جاری موازنه پرداختها در سال ۱۳۷۳ امکان بازپرداخت بخشی از تعهدات خارجی کشور فراهم شد و از سوی دیگر طی مذاکرات گسترده با طرفهای خارجی، بیش از ۷۰ درصد از تعهدات خارجی معوق که عموماً ماهیت کوتاه مدت داشت، تجدید زمان بندی گردید و به تعهدات بلند مدت تبدیل شد. در این سال همراه با بازپرداخت قسمتی از وامهای کوتاه مدت و بلند مدت بر ذخایر خارجی کشور افزوده شد.

##### ۵ - روند قیمتها:

طی سالهای اخیر، بعلت رشد سریع نقدینگی از یک طرف و فشارهای ناشی از سرمایه گذاریهای عظیم بویژه در بخشهای زیربنایی به همراه اصلاح نرخ ارز و افزایش شدید بهای مواد اولیه و کالاهای واسطه ای و مصرفی وارداتی و اصلاح قیمتهای نسبی بسیاری از کالاها و خدمات از

طرفی دیگر، سطح عمومی قیمت‌ها در ایران روند صعودی داشته است. این روند در سال ۱۳۷۳ نیز ادامه یافت و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی  $۳۵/۲$  درصد و شاخص بهای عمده فروشی کالاها  $۴۲/۴$  درصد افزایش نشان داد. رشد سریع نقدینگی در سال ۱۳۷۲ بویژه در اواخر این سال که آثار خود را با وقفه در اوایل سال ۱۳۷۳ برجای گذارد، عامل عمده‌ای در سریع‌تر شدن روند قیمت‌ها در سال ۱۳۷۳ بود. بدنبال افزایش سریع قیمت‌ها در نیمه اول سال مورد بررسی، دولت از آبان ماه این سال مبارزه گسترده‌ای را جهت مهار تورم و بهبود سیستم توزیع آغاز نمود که طرح قیمت گذاری برخی از اقلام کالاهای اساسی و تعزیرات حکومتی، تخصیص منابع مالی لازم جهت تهیه و توزیع برخی از کالاهای مشمول طرح، عرضه کالاهای مورد نیاز مردم در تعاونیهای مصرف و فروشگاههای زنجیره‌ای به منظور حذف واسطه‌های غیرضروری و تشکیل کمیته ویژه نظارت بر قیمت‌ها و تنظیم بازار، تنظیم و ساماندهی شبکه‌های توزیع و تعیین ضوابط لازم جهت توزیع بهینه کالا از اهم اقدامات مذکور می‌باشد. در اثر اقدامات فوق آرامش نسبی بر بازار حاکم گردید و از شدت افزایش قیمت‌ها تا حد زیادی کاسته شد. اما آثار این اقدامات کوتاه مدت بود و از اواخر سه ماه سوم سال روند فرایند قیمت‌ها مجدداً آغاز گردید. این روند در اوایل سال ۱۳۷۴ نیز ادامه یافت و در اواخر اردیبهشت ماه با بروز جو کاذب روانی و گسترش انتظارات تورمی به اوج خود رسید. بدین لحاظ در اواخر اردیبهشت ماه تصمیمات جدیدی اتخاذ شد که تعیین و تثبیت نرخ ارز، کانالیزه شدن ارزهای صادراتی به سیستم بانکی، غیرقانونی شدن معاملات ارز در خارج از سیستم بانکی، برقراری مقررات جدید برای مبارزه با قاچاق کالا و ایجاد تسهیلات جدید در جهت عرضه کالاها و خدمات از جمله این تصمیمات بود. با اتخاذ این سیاستها التهابات بازار بشدت فرونشست و ثبات و آرامش در بازار ایجاد گردید.

اینگونه اقدامات در شرایطی که نوسانات بازار مبتنی بر عوامل اقتصادی بنیادی نمی‌باشد و

بیشتر در اثر تبلیغات و جو روانی و تئانیهای بورس بازان بوجود می آید، قطعاً تاثیر عمیق داشته و می تواند این عوامل موقتی را کاملاً برطرف نماید. لکن بمنظور ایجاد یک ثبات فراگیر و پایدار بی تردید سیاستهای پولی و مالی نقش اصلی را ایفا می نماید. بعبارت دیگر لازمه حتمی یک تعادل بلند مدت، ایجاد نظم و انضباط مالی در اقتصاد است که خوشبختانه در تدوین برنامه دوم جمهوری اسلامی ایران بنحو شایسته مورد توجه قرار گرفته است. در واقع اصلی ترین محور برنامه دوم که اساس هدف گذاریهای این برنامه را تشکیل می دهد ایجاد یک ثبات پایدار به کمک ابزارهای سیاستهای پولی و مالی است و فقط در اینصورت است که می توان به حصول یک رشد سالم و متعادل اقتصادی امید داشت.